



تأثیر تأثر درسی بر میزان خلاقیت و یادگیری درس فارسی در مقطع ابتدایی

مریم حاجبی پور، صاحبه خاری، فاطمه رحمدل پور، زهرا عرفانی، زهرا بهمنی چاهستانی، اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، دبستان پسرانه سما شعبه یک، آموزگار پایه پنجم ابتدایی
اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، دبستان پسرانه سما شعبه یک، آموزگار پایه سوم ابتدایی
اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، دبستان پسرانه سما شعبه یک، آموزگار پایه پنجم ابتدایی
اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، دبستان پسرانه سما شعبه یک، آموزگار پایه ششم ابتدایی
اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، دبستان پسرانه سما شعبه دو، آموزگار پایه سوم ابتدایی

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر تأثر درسی بر افزایش خلاقیت و یادگیری در درس فارسی در مقطع ابتدایی می باشد که به صورت توصیفی و با رویکرد کیفی صورت گرفت. پژوهش با شیوه اسنادی انجام گرفت. در این پژوهش تلاش شد با مطالعه منابع دست اول و دوم، تأثیرات تأثر درسی مورد واکاوی قرار بگیرد. بررسی ها نشان می دهد تأثر در آموزش های تحصیلی نقشی راهبردی در تقویت مهارت های مختلف دانش آموزان دارد. یکی از کوتاه ترین راه های دستیابی به این رفتارها، پرداختن به فعالیت های نمایشی است. مباحث آموزشی کتب درسی را می توان از طریق تأثر آموزش داد زیرا می تواند مولفه های مشارکت، فعالیت جمعی، مسئولیت پذیری، شناخت حقوق خود، احترام به حقوق دیگران و آموزش امور اعتقادی و کاربردی زندگی را به دانش آموزان انتقال و تفهیم نمود.

واژگان کلیدی: تآثر، خلاقیت، فارسی، ابتدایی

۱. مقدمه

دنیای پیچیده‌ی امروزی هر لحظه در حال تغییر و تحول و نو شدن است و لازمه‌ی ایجاد و استمرار یک زندگی موفق، سازگاری با این تغییرات سریع و پیچیده می‌باشد. برخورداری از توان سازگاری با این تغییرات چشمگیر و سریع و قدرت تأثیرگذاری بر رویدادهای پیرامونی، مستلزم خلاقیت می‌باشد. نیاز به ابتکار و نوآوری که زمینه‌ساز ارضای انگیزه‌ی تنوع طلبی و شکوفایی استعدادها و تواناییهای انسان است، به صورت بالقوه در افراد نهادینه شده است، که باید با تلاش افراد و یاری جامعه به فعل درآید (غلام پور، ۱۳۷۹). جوامع و فرهنگها نیز برای زنده ماندن و گریز از مرگ، و برای خلق نشاط و پویایی و بالندگی به تحول و نوآوری نیاز دارند، لذا استفاده بهینه از استعدادها و تواناییهای افراد جامعه که غنی‌ترین سرمایه ملی است، در هر زمانی مورد توجه ویژه سیاستمداران و برنامه ریزان تعلیم و تربیت می‌باشد. کشورهایی می‌توانند به توسعه و بالندگی رسیده و نقش مؤثری در نظام جهانی ایفا نمایند که به منصفه‌ی ظهور رسانیدن استعدادهایی همچون: خلاقیت، تفکر و مسأله‌یابی و مسأله‌گشایی را جزو اهداف مهم آموزش و پرورش قرار دهند.

بدیهی است که بهترین دوران برای این تلاش، دوران کودکی است، زیرا دوران کودکی از نقشی حساس و تعیین‌کننده در زندگی انسان برخوردار است و تجربیات این سالها زیربنای زندگی آینده‌ی هر انسانی خواهد بود. اکثر افراد، رفتار و عادات خویش را از دوران کودکی کسب می‌کنند و چگونگی ارتباط و سازگاری با محیط خویش را در این مرحله یاد می‌گیرند، لذا اگر به نیازها و حیطه‌های تکاملی کودکان در این دوران پاسخ مناسبی داده شود، آنها از نظر روانی سالمتر بوده و از قدرت تفکر و تعقل بیشتری برخوردار می‌گردند و مهارتهای عاطفی و اجتماعی بیشتری خواهند داشت (جمالی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹). از جمله ویژگیهای بیشماری که کودکان مستعد و مستحق برخورداری از آن می‌باشند، خلاقیت می‌باشد. خلاقیت یک فرآیند طبیعی انسانی است و زمانی رخ می‌دهد که افراد، کنجکاو و برانگیخته شوند. کودکان دبستانی اغلب به طور طبیعی کنجکاو و دوست دارند که به طور خلاقانه مسائل را یاد بگیرند تا اینکه، اطلاعات از پیش آماده شده توسط والدین و معلمان را بیاموزند (سورتیچی اوکرکایی و همکاران، ۱۳۹۰).

متخصصان معتقدند که روشهای سنتی آموزش نه تنها کمکی به رشد خلاقیت در کودکان نمی‌کند، بلکه مانعی نیز در این راه می‌باشند (برگ، ۲۰۰۰) کودکان به برنامه‌های درسی که آنها را با تجربه‌های غیر قابل پیشبینی مواجه کرده و هیجان زده نماید، نیاز دارند و اجرای چنین برنامه‌هایی مستلزم وجود معلمان خلاق می‌باشد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان خلاق به معلمان خلاق نیاز دارند. معلمان که بتوانند محیطی را فراهم نمایند که ضمن برخورداری از نظم و ترتیب، برانگیزاننده‌ی تخیل و تجسم، کنجکاو و ماجراجویی باشد (جین، ۲۰۱۳). تحقیقات متعددی تأثیر مشارکت فعالانه، تحرک و نشاط و روشهای فعالانه‌ی آموزش در مقایسه با روش سنتی تدریس بر خلاقیت دانش‌آموزان را مورد حمایت قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، نیو و استرنبرگ (۲۰۰۳) نقش محیطهای روانی اجتماعی بر تحرک و نشاط بر خلاقیت را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ یافته‌های شریفی و داوری (۱۳۸۸) بیانگر تأثیر سه روش بارش فکری، ارتباط اجباری، و سینکتیکس بر خلاقیت می‌باشد؛ شهنی بیلاق، سهرابی، و شکرکن (۱۳۸۴) تأثیر آموزش بارش فکری بر خلاقیت دانشجویان، و گنجی، پاشا شریفی، و میر هاشمی (۱۳۸۴) نیز تأثیر روش بارش فکری بر خلاقیت دانش‌آموزان را نشان دادند؛ یافته‌های نیوشا، پاکدامن، و اویسی (۱۳۹۲) بیانگر این است که آموزش بر اساس الگوی تدریس بدیعه‌پردازی باعث افزایش



خلاقیت و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان چهارم ابتدایی در درس هنر می‌شود و یافته‌های موسوی و مقامی (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد که به کارگیری روشهای جدید و متنوع ارزشیابی منجر به افزایش عملکرد تحصیلی و نگرش دانش آموزان مقطع دبستان نسبت به خلاقیت شده است. فرا تحلیل انجام شده توسط نیجستاد، دی درو، ریتزشل، و باس (۲۰۰۸) نشان داد که حالات مثبت عاطفی باعث ایجاد خلاقیت می‌شوند، ولی حالات خنثی و یا منفی عاطفی بازدارنده خلاقیت می‌باشند.

یکی از موضوعات ارزشمند و مهمی که باعث فعالیت و فرح بخش تر شدن فعالیتهای یادگیری می‌شود، هنر است. هنر، به این جهت که از تنوع و انعطاف پذیری بالایی برخوردار بوده و برانگیزاننده‌ی قوه‌ی تخیل می‌باشد، زمینه‌ی مناسبی برای پرورش خلاقیت است (موگا و همکاران، ۲۰۰۰) هنر با خلق زیبایی‌ها به مغز انسان آرامش میبخشد و شرایطی را پدید می‌آورد که سلولهای مغزی در فضایی به دور از هیاهو و نگرانی اندیشه نماید، چرا که محیط پراسترس و نگران کننده، برای سلولهای مغزی مخرب است (نیک، ۲۰۱۱) فعالیتهای هنری کودکان، نه تنها به آنان توانایی بیان اندیشه با زبان هنری را می‌دهد بلکه قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای اطراف و همچنین دقت را در آنها تقویت می‌کند. هنر به لحاظ تناسب با زبان کودکان و ارتباط عمیق با ویژگیها و تمایلات درونی آنها می‌تواند تأثیر عمیقی بر دانش آموزان داشته و آنها را از سطح دانش سطحی به سطوح عمیقتر درک و فهم رهنمون شود.

یکی از شاخه‌های هنر که برای تقویت یادگیری و خلاقیت کودکان استفاده می‌شود، گروه‌های تئاتر است. سازگاری و تحول هنر تئاتر در طول تاریخ به گونه‌ای است که تا به امروز با وجود گسترش و پیشرفت فناوریهای چشمگیر در هنرهای نمایشی بصری از جمله تلویزیون و سینما، پیدایش اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای، موجودیت تئاتر نه تنها کم رنگ و فراموش نشده، بلکه قابلیت‌های خود را متناسب با ظرفیت هر دوره آشکارتر ساخته است (فتحی، ۱۳۸۰).

تئاتر درسی در واقع زیرمجموعه‌ای از تئاتر درمانی است. تئاتر درمانی و اجزای وابسته به آن همچون سوسیودرام، اجرای نقش و سوسیومتری را دکتر جیکوب ال مورنو (۱۸۸۹-۱۹۷۴) در حدود سال ۱۹۳۰ ابداع کرد (بالانتر، ۱۹۹۶ به نقل از حق شناس و اشکانی، ۱۳۸۳). تئاتر درسی یکی از انواع آموزش‌های گروهی است. با این همه عاملی در تئاتر درسی نهفته است که سبب شده این روش از روش‌های معمول آموزش گروهی فراتر رود و واقعیتی از نوع دیگر بیافریند (فتحی، ۱۳۸۰). نمایش، فرصت یادگیری فعال و معنادار را فراهم می‌کند، چون که بخش فیزیکی، روانی و هیجانی فرد را درگیر می‌کند (وریور، ۱۹۹۴).

نمایش به کودکان کمک میکند تا همکاری کرده و بتوانند خود را به صورت مؤثرتری در زندگی روزمره ابراز کنند. نمایش، درس را برای دانش آموزان فعالتر، جذابتر و جالبتر کرده و به دانش آموزان کمک می‌کند تا الگوهای منطقی، روابط علی و معلولی، تفسیر مفاهیم و همچنین، یادگیری را از طریق روخوانی و واژگان درک کنند. نمایش، خلاقیت فرد را بهبود می‌بخشد و با فراهم کردن فرصت دستیابی به مهارتهای مربوط به ویژگیهای رشدی، به رشد چندبعدی آنها کمک می‌کند. نمایش تضمین می‌کند افراد خود و محیط خود را عمیقاً درک کنند (آرال، کاندیر و کان، ۲۰۰۰).

افراد در طول بازی نقش در نمایش، دیدگاه‌های دیگران را در نظر می‌گیرند؛ یعنی مهارت درک دیدگاه‌های دیگران در آنها پرورش می‌یابد (کو کسال آکیول، ۲۰۰۳) به دست آوردن تجربه از رویدادها و شرایط مختلف، از طریق گرفتن نقش‌های مختلف، باعث بهبود

مهارت همدلی میشود. تئاتر به افراد این فرصت را می دهد که خود را به جای دیگران بگذارند و تفکر چندبعدی را در آنها پرورش می دهد (آرال، باران، بولوت و سیم، ۲۰۰۰).

تدریس درام بسیار بداهه آمیز است. این در مقایسه با این واقعیت است که معمولاً معلم تلاش زیادی برای برنامه ریزی محیط یادگیری می کند. چالش روبه روشن شدن با هر معلم و مدرسه این است که میان خلاقیت و ساختار که یادگیری دانش آموز را بهینه سازی می کند، تعادل ایجاد شود (سوپر، ۲۰۱۱). از دیدگاه یادگیرندگان، معلمان باید حضور داشته باشند و به طرز ماهرانه ای به نیازها، نقاط قوت و تجربیات آنها پاسخ دهند و این مسئله با داشتن احساس امنیت و توانایی ریسک کردن مرتبط است. در چنین شرایطی شرکت کنندگان خود را به مثابه بخشی از گروه کشف می کنند (راجر و ریدر، روث، ۲۰۰۶، توویانن، مالکامای، ایوونن و رویسمای، ۲۰۱۵)

در تئاتر درسی، معلمان چندین عامل را در نظر می گیرند و در صورت نیاز برنامه های خود را تغییر می دهند. گاهی اوقات، اطلاعات ارائه شده از دانش آموزان به معلم فرصتی می دهد برای آموزش چیزی که برنامه ریزی نشده است. بر این اساس، معلم خلاق باید بتواند طبق چنین شرایطی، محیط یادگیری را برای ارتقای سطح یادگیری دانش آموز بسازد. یادگیری تئاتر درسی معلمان را برای واکنش بهتر به اطلاعات ارائه شده دانش آموزان کمک می کند و بنابراین راههای یادگیری شخصی و تشریح مساعی را فراهم می کند. معلمان تئاتر درسی باید آماده باشند در جایی که نتایج قابل پیش بینی نیست، خود را وارد فرایندهای خلاقانه کنند. برای این کار، اصول بداهه پردازی مانند خودانگیختگی، پذیرش، تحمل اشتباهات و رهبری استفاده از تفکر جمعی، به معلمان تئاتر درسی کمک می کند (لتونن، کازینن، واکوا و توویانن، ۲۰۱۶) در کلاس درس، معلم نه تنها یک رهبر مسئول، بلکه یک همکار یادگیرنده است (توویانن، رانتالا و رویسمای، ۲۰۰۹؛ مکلاکلانا و وینترسا، ۲۰۱۴).

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهشی

هنر

در یک تعریف کلی هنر را چنین بیان می کنیم که خلاقیتی است درونی تا بتواند خلایق را پر کند. یعنی هر آنچه از درون انسان به بیرون بترآود تا بتواند پاسخگوی یکی از نیازهای - ترجیحا حسی - مردم در جامعه باشد. حال این هنر خود بر دو گونه است: یکی هنر زیبا و دیگری هنر کاربردی. لازم به ذکر است که هنر در جامعه اسلامی و در کشورهای هم چون ایران عزیز ما شرایط و ضوابط خاص خود را دارد. کلمه هنر از واژه "سونر" در زبان سانسکریت گرفته شده و به معنای "یک واحد نیک" می باشد که در دوره هخامنشی وارد فرهنگ ایرانی و زبان سانسکریت گردید. در اواسط دوره اشکانی با ابداع خط پهلوی اشکانی که از الفبای آرامی گرفته شده بود، کلمه "سونر" به "هونر" تبدیل شد و سپس در طی دوره های متمادی به صورت واژه "هنر" تبدیل شد. امروزه آفرینش های هنری به پنج دسته تقسیم بندی شده اند: ۱- هنرهای ادبی (نظم و نثر و داستان و ...) ۲- هنرهای موسیقی (سنتی، نوگرا) ۳- هنرهای نمایشی (تئاتر و سینما) ۴- هنرهای کاربردی (معماری، عکاسی، طراحی سنتی، صنایع دستی، طراحی دستی، گرافیک) ۵- هنرهای زیبا (نقاشی، پیکره سازی، پیکره تراشی) (رامونا محمدی، ۱۳۹۴). اصلی که اقتضا دارد هنر با قوانین ملازم هر شی و



موضوعی که هنرمندان بدان می پردازد سازگاری داشته باشد، در هنرهای فرعی نیز مراعات می شود؛ مثلا در هنر قالبیابی که معرف و مشخص جهان اسلام است، محدود ماندن به اشکال منحصر هندی بر وفق ترکیب بندی هنری در سطحی مستوی و فقدان تصاویر به معنای حقیقی کلمه، مانع از باروری هنری نشده است (تیتوس برکهارت؛ ۱۳۹۰)

نمایش

نمایش زیر گروهی از هنر می باشد که با روایتی داستانهایی را در برابر تماشاگران توسط اشخاصی به اجرا در می آورد. این گونه از نمایش به جز نام عامیانه اش که تئاتر نامیده می شود عناوین دیگری از جمله اپرا، باله، کابوکی، تعزیه، خیمه شب بازی و پانتومیم نیز دارد. در واقع نمایش در یک معنای کلی یعنی A در نقش B وقتی که C نظاره گر آن باشد. اسلین مارتین در کتابش نمایش را قالبی برای اندیشه، روندی برای شناخت و شیوه‌های برای برگرداندن مفاهیم انتزاعی به شرایط ملموس انسانی، به شمار می‌آورد (اسلین مارتین، ۱۳۷۹)

خلاقیت

آفرینندگی یا آفرینشگری یا خلاقیت، مهمترین و اساسیترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادیترین عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش کاملاً حیاتی ایفا میکند. خلاقیت و نوآوری از والاترین ویژگیهای انسان است. همه علوم، تولیدات، فناوریها، صنایع، ابداعات، اختراعات، هنرها، ادبیات، موسیقی، معماری و بهطور کلی اساس انواع تمدنها از ابتدا تاکنون و کلیه دستاوردهای بشری، جلوههای گوناگون خلاقیت و نوآوری است. تمدن انسانی و زندگی وی بدون خلاقیت امکانپذیر نیست. خلاقیت مفهومی است که تعریفهای آن در طول زمان تغییراتی کردهاست و پژوهشگران مختلف تعاریف متعددی برای آن ارائه نمودهاند که البته اشتراک معنایی زیادی دارند. به عنوان مثال تورنس، خلاقیت را به عنوان نوعی مسئله‌گشایی مد نظر قرار دادهاست. به نظر وی تفکر خلاق مختصر عبارتست از فرایند حس کردن مسائل یا کاستیهای موجود در اطلاعات، فرضیه‌سازی درباره حل مسائل و رفع کاستیها، ارزیابی و آزمودن فرضیه ها، بازنگری و بازآزمایی آنها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران.

خلاقیت شامل تولید چیزی است که هم اصیل و هم ارزشمند باشد و نشأت گرفته از فرایندهای خودآگاه و ناخودآگاه انسان میباشد. از دیدگاه یک دیدگاه علمی محصولات تفکر خلاق گاهی اوقات به تفکر واگرا ارجاع داده میشود. همانند دیگر پدیدهها در علم یک دیدگاه یا تعریف یگانه از خلاقیت وجود ندارد و بهطور متنوع به موارد زیر منسوب شدهاست: فرایند شناختی، محیطی اجتماعی، ویژگی فردی، شانس و همچنین مواردی مانند نبوغ، بیماریهای روانی و شوخطبعی پیوند داده شدهاست. تعریف مناسب دیگر فرایند فرضیات شکسته است تفکرات خلاق زمانی تولید میشود که شخص پیشفرضها را کنار گذاشته و یک دیدگاه جدیدی را جستجو کند که دیگران به آن نپرداخته اند. خلاقیت نیاز به حضور همزمان تعدادی از ویژگیها از قبیل هوش، پشتکار، غیرمتمعارف بودن و توانایی تفکر به سبکی خاص دارد. خلاقیت، خودکار و بدون زحمت و تلاش است و غالباً همچون تصورات ذهنی خودانگیخته به وجود می‌آید. برای آن مراحل طی توسط هلم هولتز و والاس پیشنه‌ها شدهاست: ۱- آمادگی - ۲ دوره نهفتگی ۳- الهام ۴- تحقق (مجله مدیریت، شماره ۵۹).

خلاقیت شامل تولید چیزی است که هم اصیل و هم ارزشمند باشد و نشأت گرفته از فرایندهای خودآگاه و ناخودآگاه انسان میباشد. از دیدگاه یک دیدگاه علمی محصولات تفکر خلاق گاهی اوقات به تفکر واگرا ارجاع داده میشود. همانند دیگر پدیدهها در علم یک دیدگاه یا تعریف یگانه از خلاقیت وجود ندارد و بهطور متنوع به موارد زیر منسوب شدهاست: فرایند شناختی، محیطی اجتماعی، ویژگی فردی، شانس و همچنین مواردی مانند نوع، بیماریهای روانی و شوخطبعی پیوند داده شده است.

تعریف مناسب دیگر فرایند فرضیات شکسته است تفکرات خلاق زمانی تولید میشود که شخص پیشفرضها را کنار گذاشته و یک دیدگاه جدیدی را جستجو کند که دیگران به آن نپرداختهاند. خلاقیت نیاز به حضور همزمان تعدادی از ویژگیها از قبیل هوش، پشتکار، غیرمترعارف بودن و توانایی تفکر به سبکی خاص دارد. خلاقیت، خودکار و بدون زحمت و تلاش است و غالباً همچون تصورات ذهنی خودانگیزخته به وجود میآید. برای آن مراحل توسط هلم هولتر و والاس پیشنهاد شدهاست: ۱- آمادگی - ۲ دوره نهفتگی ۳- الهام ۴- تحقق (مجله مدیریت، شماره ۵۹).

فارسی

فارسی یا پارسی یکی از زبانهای هندواروپایی در شاخه زبانهای ایرانی جنوب غربی است که در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان به آن سخن میگویند. فارسی زبان رسمی کشورهای ایران و تاجیکستان و یکی از دو زبان رسمی افغانستان (در کنار پشتو) است. زبان رسمی کشور هندوستان نیز تا پیش از ورود استعمار انگلیس، فارسی بود. زبان فارسی را پارسی نیز میگویند. زبان فارسی در افغانستان به طور رسمی دری و در تاجیکستان تاجیکی خوانده شده است. فارسی از دیدگاه شمار و گوناگونی ضرب المثلها در میان سه زبان نخست جهان است. با ورود واژگان از زبان عربی (و زبانهای دیگری مانند یونانی، آرامی، ترکی و غیره) به زبان فارسی، این زبان از نظر تعداد واژه ها یکی از غنی ترین زبانها شده است. در کمتر زبانی فرهنگ واژگانی چون دهخدا (در ۱۸ جلد) یا فرهنگ معین (در ۶ جلد) دیده می شود. زبان فارسی از زبان قدیمی تر فارسی میانه (یا پهلوی) و آن نیز خود از فارسی باستان نشأت گرفته است. این دو زبان قدیمی تر برخاسته از ناحیه تاریخی پارس در نزدیک استان امروزی فارس در جنوب ایران هستند. فارسی میانه به عنوان گویش رسمی در زمان ساسانیان در دیگر سرزمینهای ایرانی گسترش زیادی یافت به گونه ای که در خراسان بزرگ جایگزین زبانهای پارسی و بلخی شد و بخشهای بزرگی از خوارزمی زبانان و سغدی زبانان نیز فارسی زبان شدند. گویشی از فارسی میانه که بعدها فارسی دری نام گرفت پس از اسلام به عنوان گویش استاندارد نوشتاری در خراسان شکل گرفت و این بار با گسترش به سوی غرب به ناحیه پارس و دیگر نقاط ایران بازگشت. فارسی زبان نخست ۲۰ میلیون تن در افغانستان، ۵ میلیون تن در تاجیکستان و در ازبکستان حدود ۷ میلیون تن است. زبان فارسی گویشورانی نیز در هند و پاکستان دارد. با توجه به رسمی بودن زبان فارسی در ایران، افغانستان و تاجیکستان و چیرگی گویشوران سایر زبانها بدان به عنوان زبان دوم روی همرفته میتوان شمار فارسیگویان جهان را نزدیک ۱۱۰ میلیون تن برآورد کرد. زبان فارسی نهمین زبان پر کاربرد در محتوای وب و بالاتر از عربی و ترکی و سایر زبانهای خاورمیانه است آرمان بختیاری و دیگران، (۱۳۸۲).



۳. پیشینه

دهقانی و عماره (۱۳۹۷): زبان هنر به عنوان وسیله ای جهت آموزش از بهترین گزینه هایی است که در سالهای اخیر استفاده می شود. بسیاری از آموزگاران از آن استفاده نموده و سعی بر بهره از آن داشته‌اند. در این تحقیق تلاش شده است کهبا استفاده از هنرهای همچون نمایش و موسیقی در شیوه های جدید تدریس مباحثی را به مخاطب ارایه نمود، چرا که شیوه های معلم محور دیگر توانایی آموزش را نداشته و در دنیای دیجیتالی می بایست از علوم جایگزین استفاده کرد. نمایش و موسیقی از قدیم با مردمان همراه بوده و بشر توانسته است با آن ارتباط تنگاتنگی برقرار نماید. این دو هنر بر خلاف هنرهای دیگر نیاز به تخصص ویژه جهت دستیابی نداشته و هر شخصی در هر رده سنی توانایی اجرای آن را با تمرین و ممارست فراوان دارد. هنر نمایش در واقع به هنری اطلاق میگردد که شخص خود را در نقش دیگری ببرد تا بتواند مفاهیمی را به مخاطب خود ارایه کند. و هنر موسیقی در واقع به عنوان زبان مشترک همه مردم دنیا میتواند پل ارتباطی خوبی برای آموزش و پرورش آن هم در هزاره ی سوم به کار رود. در شیوه های سنتی و معلم محور، مدرس می بایست از تمام وجود خود مایه بگذارد تا بتواند پیامی را به مخاطبین خود که در واقع همان دانش آموزان هستند انتقال دهد. اما در شیوه های مدرن در واقع خود دانش آموزان هستند که وظیفه آموزش را بر عهده می گیرند و خود را مسیول آموزش می دانند. در واقع کار آموزگار جمع بندی دقیق و صحیح از مباحثی می باشد که دانش آموزان سعی در آموزش آن داشته اند. شیوه های معلم محور و سنتی دیگر کار ساز نبوده و آموزگاران از تکلم بیش از حد خودداری می نمایند. تجربه ثابت نموده است که دانش آموزی موفق تر خواهد بود که خود توانایی آموزش و انتقال مفاهیم را داشته باشد. بسیاری از اندیشمندان بزرگ از هنر موسیقی چنین یاد میکنند که در آموزش دروس مختلف از جمله ریاضیات تاثیر بسزایی دارد و می تواند کامل کننده ی هنر نمایش باشد. موسیقی و نمایش مکمل یکدیگر بوده و وجود هر کدام تاثیر بسیاری در دیگری دارد. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان ابتدایی ناحیه ۱ بندرعباس بوده که در قالب پرسشنامه ای توسط ۲۰ نفر از آموزگاران مدارس خاص بندرعباس مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته اند.

مصطفایی (۱۳۹۷): با توجه به این که انسان از همان سال های آغاز تولد در برابر صداهایی چون سرود و موسیقی به هیجان می آید و نسبت به آنها عکس العمل نشان می دهد به نوعی ذات انسان آمیخته با زیبایی های هنر می باشد در این مقاله تلاش بر این شده که رابطه هنر و زیبایی های آن با یادگیری ارزیابی شود. از این رو باید دید که هنر می تواند بر رشد عاطفی و شناختی تاثیر داشته باشد در واقع هنر رابطه نزدیکی با روح و روان انسان دارد و می تواند در تسریع یادگیری موثر واقع شود هنر مبتنی بر توسعه مهارت های اجتماعی، علمی، تفکر و سیستم عصبی می باشد و می تواند افزایش خلاقیت، اعتماد به نفس، علاقه و انگیزه را در پی داشته باشد هدف اصلی این مقاله پی بردن به نقش هنر بر یادگیری و ارایه توصیه هایی برای پیاده سازی هر چه بهتر این امر می باشد.

امیری، زنگه تبار، فیلی (۱۳۹۷): روش مورد استفاده در این پژوهش، درس پژوهی (رویکردی جدید در توسعه دانش حرفه ای معلمان است که از درون مدارس ابتدایی ژاپن مطرح و گسترش یافته است) بوده است که زیر دسته طیف روش های کیفی قرار گرفته است. جامعه آماری مدارس مقطع ابتدایی و پایه ششم بوده است. نمونه پژوهش سه کلاس پایه ششم ابتدایی که از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب گردید. در این پژوهش سه معلم حضور داشته که در طراحی، اجرا و ارزیابی واحد یادگیری مد نظر که دوستی و

مهارت های دوستی است همپاری و مشارکت داشتند. ابزار جمع آوری اطلاعات از طریق مشاهده و مصاحبه صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشانگر مناسب بودن روش تدریس ایفای نقش نسبت به روش تدریس سخنرانی و روش نمایشی بوده است. نتایج: نتایج اخذ شده نشان از یادگیری پایدار تر روش تدریس ایفای نقش، در تدریس واحد ذکر شده دارد. بحث و نتیجه گیری: براساس پژوهش حاضر و با توجه به ضرورت موضوع پژوهش (دوستی و مهارت های آن) لازم است معلمان به جای استفاده از روش تدریس سخنرانی و نمایشی از روش های تدریس متناسب با درس های علوم اجتماعی بهره برد.

دهقانی، باقرزاده (۱۳۹۵): کودکان به طور معناداری کارکردها و قدرت خلاقیت بالاتری نسبت به افراد بزرگسال دارند و اختلال در کارکردهای اجرایی از کودکان با ضعف در دروسی همانند ریاضیات و خواندن رابطه دارد. این پژوهش با هدف تدوین و بررسی تاثیر مهارت های هنری در پیشبرد اهداف تربیتی انجام شد. با بررسی روش های مداخله ای موجود و نیازهایی که کودکان دارند - برنامه های هنری به عنوان بدنه اصلی برنامه در نظر گرفته شد. پیشنهاد می شود از این برنامه ها جهت افزایش بهبود وضعیت کودکان و احساس رضایت و آموزش بهتر بهره گرفته شود. در این تحقیق ضمن بیان مشکلات کودکان به بررسی تاثیر مهارت های هنری در پیشبرد اهداف تربیتی در بهبود یادگیری و اجتماعی پذیری کودکان دبستانی می پردازیم و راهکارهایی را جهت بهبود یادگیری و آموزش به کودکان ارائه می نمایم.

۴. روش تحقیق

در این پژوهش متناسب با موضوع و در جهت دستیابی به اهداف از روش تحقیق کتابخانه ای استفاده می شود. با توجه به اینکه در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده خواهد شد و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است، ابتدا با جستجو در پایگاه ها و سایتهای اینترنتی و بانکهای اطلاعاتی و استنادی همانند: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، سیولیکا، مرکز تحقیقات کامپیوتری و با مراجعه به کتابخانه های دیجیتالی (کتابخانه های دیجیتالی نور، دانشگاه پیام نور و دانشگاه تهران) و برخی کتابخانه ها، با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقاتی که انجام گرفته است، کتابها، مقالات، مجلات، پایاننامه ها و سایتهای اینترنتی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. بدین معنی که پس از بررسیهای به عمل آمده از منابع در دست و فیش برداری به تحقیق و فیش برداری اطلاعات گردآوری خواهد شد.

۵. نتایج و بحث

خلاقیت در کلاس درس

همه ی ما به این قضیه واقف هستیم که بخش عمده ای از یادگیری کودکان و تدریس آموزگاران در کلاسهای درس صورت می پذیرد و کلاس درس نقش اساسی در زمینه سازی این خلاقیت را دارد. فضاهای مختلف از جمله عاطفی، فیزیکی، یادگیری، میزان انگیزه و ... از عوامل هستند که اصطلاحاً به آن درون کلاسی گفته می شود و در پیدایش خلاقیت تاثیر بسزایی دارند. نقش آموزگار در پرورش و راه سازی این خلاقیت از اهمیت بالایی برخوردار است اما این تاثیر گذاری از دو جنبه قابل بررسی است: رابطه عاطفی با دانش آموزان و رابطه آموزشی و یاددهی. ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت مستلزم این است که معلم جوی صمیمانه و



مطمئن در کلاس درس ایجاد کند. به طوری که دانش آموز بتواند با احساس امنیت، عقاید و نظریان خویش را ابراز دارند. معلم پس از تأمین نیاز عاطفی دانش آموزان، می تواند با اجرای اصول مناسب آموزشی دانش آموزان را هر چه بیشتر رهنمون گردد. نکته حائز اهمیت دیگر، نوع نگرش معلم به خلاقیت و دانش آموزان خلاق است. توجه به این که اغلب دانش آموزان خلاق کمتر با جمع هماهنگ هستند و رفتارشان قابل پیش بینی نیست، بعضی معلمان فکر می کنند که آنان، دانش آموزان در دسر آفرین هستند (ترزا، ۱۳۷۵). هنر در ایجاد و پایه ریزی سنتهای فرهنگی حائز اهمیت است و کودکانی که تجارب خلاقه هنری دارند، آن را بهتر درک می کنند و برای آن ارزش بیشتری قائل هستند. براستی چنین است؛ زیرا ذوق و خلاقیت هنری برای آنان معنی دارتر خواهد بود.

ضروریست همه مریبان تربیتی و معلمان و دانش آموزان کارگاههای عملی هنری را با موفقیت به پایان برسانند تا به درک هنری و ارتباط تصویری دست یابند و همچنین یادگیری الفبای زبان هنر و ادراک هنری لازمه ی توسعه ی هر فعالیتی بوسیله زبان هنر، می باشند. چنانچه ما بتوانیم افراد متخصص برای آموزش درس هنر تربیت کنیم خواهیم توانست هم وطنان هنرمند، با ادراک هنری بالا تربیت کنیم برای شکل گیری شخصیت هنری در دانش آموزان می بایست از دوران کودکی مربی آگاه که دارای ادراک هنری صحیح از فعالیت های هنری کودکان می باشند مسؤولیت تربیت آنها را بعهده گیرند تا با بازخوردهای درست موجبات پرورش استعداد هنری آنها را فراهم نمایند. مریبان تربیتی به عنوان پرچم داران تربیت و اصلاح جامعه باید از هنر به عنوان ابزاری کارآمد در بهبود فعالیت های تربیتی و فرهنگ جامعه استفاده نمایند و از طریق هنر، علاوه بر ارشاد دانش آموزان، جامعه را از گزند تهاجم فرهنگی برهانند و به سوی تعالی و رشد سوق دهند. هنر به عنوان مؤثرترین ابزار در پرورش روح و روان دانش آموزان نقش کلیدی دارد که مریبان نباید از این ابزار غافل بمانند (کریمی، ۱۳۸۷) هنر نمایش و بازیگری همانطور که پیش تر عنوان شد، هنر خلاقیتی است درونی. یعنی آنچه که از درون بر آید و به بیرون بتراود تا بتواند خلایق را پر نماید. هنر از دو جنبه مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار می گیرد: ۱- هنر زیبا ۲- هنر کاربردی راسکین می گوید: هنر واحد است، تفاوت قایل شدن میان هنر زیبا و کاربردی تصنعی و مخرب است (دونیس، ا. داندیس، ۱۳۸۲)

لازم به ذکر است که هنر زیر مجموعه های فراوانی از جمله؛ نمایش، موسیقی، آواز، رقص، معماری، عکاسی، نقاشی، گرافیک و ... دارد که در این تحقیق به مطالعه موردی تاثیر هنر نمایش و موسیقی بر میزان یادگیری دانش آموزان پرداخته شده است. به نظر می رسد که یکی از متفکران روسی به نام تولستوی بیش از سایرین به معنای هنر دقت و تامل داشته است و نظریات فراوانی را ارائه نموده که یکی از این نظریات به طور نسبی دقیق تر از سایرین می باشد؛ از نظر وی، هنر فعالیت انسانی است که انسان آگاهانه و به یاری علایم ظاهری، احساسات تجربه شده خود را به دیگران انتقال دهد، به طوری که آنها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از مسیر حسی و خیالی که هنرمند از آن گذشته است بگذرند. هنر وسیله کسب لذت نیست بلکه (اعوانی، ۱۳۷۸) وسیله ارتباط با انسانها جهت سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی است. در یک معنای کلی نمایش بدین معناست که A در نقش B زمانی که C نظاره گر آن باشد. کلمه تئاتر از واژه یونانی تئاترون به معنای کنش و عمل کردن گرفته شده به معنای دیدن و تماشا کردن و محل تماشا آمده است و نمایش از کلمه یونانی دراما و آنچه که امروز درام نامیده می شود یک تلفظ فرانسوی است.

در مورد پیدایش و خاستگاه این هنر نظریات متعددی وجود دارد زیرا مدارک قابل اعتمادی تا کنون در این زمینه به دست نیامده، یک نظریه که پذیرفتنی ترین نظریه ها نیز هست حاکی از آن است که تئاتر از مراسم آئینی برخاسته، بدین ترتیب که بشر در آغاز به نیروها و موجوداتی اعتقاد پیدا کرده بود که می پنداشت تمام منابع غذایی و حیاتی اش به این موجودات تعلق دارند، لذا قبرای جلب رضایت و حمایت آنها اعمال و حرکاتی انجام می داد و شیوه های مختلفی را به کار می گرفت که این اعمال و حرکات به تدریج جرح و تعدیل یافته و به آئینی خاص بدل گشتند. از مراسم آئینی در زمینه های گوناگون از جمله باروری زمین، رهایی از خشکسالی، پیروزی در مبارزات و تغییر فصول بهره می جستند و عمدتاً نیز شکل و حالت نمایشی داشتند و عموماً اکثر افراد قبیله به اجرای آن همت گماردند (محرابی، ۱۳۷۹).

آنچه که در یک نمایش بیشترین اهمیت را دارد و اساساً بدون حضورش تئاتری وجود نخواهد داشت بازیگر است، زیرا بدون به اجرا در می آیند (محرابی، ۱۳۷۹).

روش نمایشی، از روش های متداول و مرسوم در آموزش است و در تاریخ این رشته، سابقه ای طولانی دارد. همانگونه که از نام این روش بر می آید، در آن، پدیده یا واقعیتی به نمایش گذاشته می شود و مهارت های دیدن، از محورهای اصلی این نوع آموزش است. با استفاده از این روش می توان با کمترین زمان، به تعداد زیادی از فراگیرندگان اطلاعات داد. در مورد اجرای این روش، دو مشکل اساسی وجود دارد: دانش آموزان فقط از یک حس، یعنی دیدن استفاده می کنند و صرفاً دانش و اطلاعات به دست می آورند و در این روش غیر فعال هستند (فضلی خانی، ۱۳۹۱).

نمایش در مدارس دارای فرمت خاصی است، چرا که بازیگران آن از هرگونه حرفه و صنعتی در راستای استفاده از فیزیک و میمیک خود به دور هستند و تمام تلاششان برای خوب بودن است، غافل از اینکه این خوب بودن نیاز به تمرینات مکرر دارد نه تمرینات مقطعی.

حرکات موزون کودکان در حقیقت چرخیدن در یک دایره، دست زدن، پا کوبیدن و ... است که برخی از آنها در بازی های سنتی وجود دارند و بقیه توسط کودکان و مربی ابداع می شوند. این حرکات موزون از یک سو باعث تنوع حرکاتی می شود که کودک می تواند انجام دهد و اجرا کند که خود موجب هماهنگی بین اعضای بدن و رشد حرکتی و همچنین افزایش انگیزه و رغبت برای آموزش می شود و از سوی دیگر برای آموزش و درک ریتم و ملودی و فرم مورد استفاده قرار می گیرد (سالم، ۱۳۸۹).

نمایش یکی از زیر مجموعه های هنر می باشد که در مدت کوتاه ورود خود به ایران با استقبال بی نظیری در بین عوام روبرو شد و همگان تب بازیگری در سر می پروراندند. افراد زیادی برای رسیدن به آن تلاش می کنند و شبانه روز به تمرین و تحصیل ممارست می ورزند و راه های طول درازی را نزد اساتید برجسته می روند تا بتوانند این هنر را بیاموزند.



آموزش تئاتر و نمایش

سالهای پایانی حکومت قاجار را تا سال ۱۳۲۰ هـ. ش می توان سالهای تمرین برای به وجود آوردن تئاتر در ایران دانست. این تلاش ها از سال ۱۳۱۸ هـ. ش با راه افتادن سازمان پرورش افکار و تاسیس هنرستان هنرپیشگی، سازمان می یابند و کارهای زیربنایی صورت می گیرد و آموزش تئاتر جدی می شود، اما تا آن سال ها هنوز وقت باقی است. این دوران، دوران رکود است. دوران تشکیل گروه های تئاتری، تماشاخانه ها و تالارها و به فاصله ی کمی، تعطیلی آنهاست؛ سال های تاسیس و تعطیلی، سال های آزمون و خطا. اولین تماشاخانه و تئاتر مردمی ایران در حدود سال ۱۲۹۰ هـ. ش با نام تئاتر ملی افتتاح شد. بر خلاف دارالفنون مردم عادی هم می توانستند به دیدن تئاترهایش بروند (امینی، ۱۳۹۵).

بازیگر، قبل از هر کاری، باید یک بدن خیالی برای نقش تجسم کند. این بدن خیالی، بدن نقش است. بازیگر باید یاد بگیرد که چگونه بدن خیالی را مثل یک لباس تن خودش کند. با تمرین منظم و زیاد، یاد می گیرد که چه جور تناسبات بدن خودش را تغییر دهد و با بدن نقش یکی شود. هر نقش، علاوه بر بدن خیالی، یک مرکز خیالی هم دارد. منظور از مرکز خیالی، منطقه ای در درون و بیرون بدن نقش است که محرک تمام حرکات و رفتارهای اوست (چخوف، ۱۳۸۵).

لازم است که اشاره شود که در نقش پذیری توسط دانش آموز جهت یادگیری درس نیاز به غرق شدن در نقش نیست چرا که در اینجا هنر ابزاری است جهت آموزش درس. اما اگر این نقش پذیری در راستای به تماشا گذاشتن باشد که مخاطبان آن دانش آموزان باشند می بایست بازیگر در نقش فرو رفته و بتواند خود را آنچنان نشان دهد تا آموزش کامل و جامع صورت پذیرد.

تمامی آموزگاران در برهه ای از زمان، دیر یا زود به این نتیجه پی خواهند برد که هنر علی الخصوص هنر نمایش می تواند کار آموزش را آسانتر نماید. طبیعتا اگر ما بتوانیم از ابزاری جهت ماندگاری در ذهن استفاده کنیم بیشتر می توانیم آموزش خود را پیش ببریم. کودکان از نمایشهای ریتمیک خوششان می آید و لذت می برند. به عنوان مثال ما میتوانیم با استفاده از هنر نمایش و حرکات موزون در بدن به آموزش برخی از فعالیتهای آموزشی بپردازیم. به عنوان مثال: یک دانش آموز وقتی از شخصیت یک قصه گو لذت می برد پس ما به عنوان آموزگار می بایست در قالب قصه گو درس خود را به پیش ببریم. قصه گویی بخشی از ادبیات نیز می باشد. ادبیات کودکان به دو گونه کلی تقسیم می شوند

۱- ادبیات شفاهی: به آن دسته از قصهها، داستانها، حکایات، ضرب المثلهها و ... اطلاق می گردد که در طی قرنها و سالیان سال از نسلی به نسل دیگر سینه به سینه منتقل شده است

۲- ادبیات مکتوب: به مجموعههای از ادبیات اطلاق میگردد که نگاشته می شود و قابل ثبت است. چرا که بعدها شاید قابل بررسی قرار گیرد. که اقسام آن عبارت است از

ادبیات داستانی: مجموعه رمانها و حکایات و همچنین داستانهای کوتاه و بلند را شامل می شود که هر یک دارای خصوصیات خاص خود است. اما نکته ی مشترک بین آنها این است که همگی بر پایه ی توصیف و داستان بنا شده است.



ادبیات نمایشی: در ادبیات نمایشی گفتگو و عمل به جای توصیف ادبیات داستانی می نشیند و نمایشنامه را به وجود می آورد. نمایشنامه یک متن ادبی است که برای اجرا نوشته می شود، اما متنهایی وجود دارند که صرفاً برای خواندن مناسب هستند. به این نوع نمایشنامه اصطلاحاً صندوقخانه ای می گویند

ادبیات ژورنالیستی یا روزنامه نگاری: این نوع از ادبیات بیشتر مورد استفاده رسانه های گروهی چون مجلات، روزنامه ها و هفته نامهها قرار می گیرد (دهقانی، ۱۳۹۲)

یادگیری مشارکتی در ابتدایی در این دوره، از خودمحوری دانش آموزان کاسته می شود و آنها به تدریج شروع به نگرستن به جهان پیرامون می کنند و خود به دیدگاه های افراد دیگر مانند اعضای خانواده و همسالان توجه می یابند. دانش آموزان قادر به تفکر منطقی درباره ی روابط موجود میان پدیده ها هستند: الف) می توانند نتایج و عواقب اعمال مربوط به تجربیات گذشته و تجارب افراد دیگر را پیش بینی کنند. ب) می توانند تجارب گوناگون را به ترتیب و به گونه ای متوالی به خاطر آورند.

ج) قادرند بر اساس تجربیات خویش، امور متفاوت را با هم مقایسه کنند. در این دوره دانش آموزان تجارب گسترده تری از جامعه به دست می آورند (جوانا اسکات و همکاران، ۱۳۸۵) با توجه به این نکات چنین تصور می شود که دانش آموزان در فعالیتهای مشارکتی نظیر نمایش، می توانند علاوه بر افکار خود، افکار و احساسات دیگران را نیز درک نمایند و به درک مشکلات و آموزش های احتمالی و ناخواسته در این هنر دست یابند. برخی از آموزگاران در دروس فارسی به این نتیجه رسیده اند که اگر بتوانند هنر نمایش را در دروس جذاب و ریتمیک به کار گیرند، به مراتب موفق تر خواهند بود و کمتر خستگی حاصل از کلاس را احساس می کنند. در همین راستا بخشی از دروس فارسی چهارم را که به راحتی قابلیت نمایشی شدن دارند و نگارنده خود در جشنواره های مختلف فرهنگی و هنری اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس به اجرا در آورده را عنوان می کنیم.

۶. نتیجه گیری

از روش های نمایشی جهت تدریس می توان به مزایایی به شرح ذیل اشاره نمود: قطعاً تمامی آموزگاران از اینکه دانش آموز را به کار و آموزش بکشاند خرسند و بر خود می بالند و طبیعتاً یکی از موثرترین راه ها ایجاد فضایی جهت خودنمایی دانش آموز و نشان دادن استعدادها و توانایی هایش می باشد. لذا به کارگیری اشیاء حقیقی و واقعی که بتواند به واسطه آن از حواس پنجگانه خود استفاده نماید می تواند یکی از ترفندهای آموزشی نیز باشد. نگارندگان این تحقیق در طول چندین سال تدریس خود به این نکته اشراف داشته که نمایشی کردن برخی از دروس نه تنها خسته کننده نمی باشد، بلکه ایجاد فضایی مفرح و دوست داشتنی را برای آموزگار و دانش آموز به ارمغان می آورد. قطعاً به نمایش در آوردن برخی از دروس که در این تحقیق نیز بدان ها اشاره گردید نیاز به روش های گوناگونی هم جهت آموزش و هم جهت سرگرم کردن دانش آموزان دارد. لذا هر یک از این روش ها می بایست با نیاز جامعه کوچک کلاسی و همچنین هدف مدرس که مهمترین بخش از این قسمت است هماهنگ و همراه باشد. اجرای یک نمایش برای درسی خاص نیاز به یک نمایشنامه خوب، روان و دارای محدودیت زمانی دارد. تنوع در شیوه های اجرایی و بر عهده گذاشتن مسئولیت دانش آموزی می تواند به خودی خود برخی از این مشکلات را محدودتر نماید.



منابع و مآخذ

- امینی، ابراهیم، (۱۳۹۵)؛ سرگذشت بازیگری در ایران، چاپ اول، نشر افق، تهران
- اسلین، مارتین. (۱۳۷۹) نمایش چیست، مترجم شیرین تعاونی، تهران، شابک، ۹۶۴-۵۵۹۶-۱۶-۵.
- اعوانی، غلامرضا، (۱۳۷۸)؛ تقریرات درسی، انجمن حکمت و فلسفه، ایران.
- امیری، علیرضا، زنگه تبار، سجاده، فیلی، ذوالفقار. (۱۳۹۷). واکاوی روش های تدریس سخنرانی، نمایشی و ایفای نقش در ارائه درس دوستان ما، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم فنون بنیادین.
- اشمیت، رودریگر (۱۳۸۲) راهنمای زبان های ایرانی، جلد اول، زبان های ایرانی باستان و ایرانی میانه، ترجمه آرمان بختیاری، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- اسکات، جوانا و همکاران (۱۳۸۵)؛ یادگیری مشارکتی، مترجمان: دکتر محمد امینی، دکتر منصور مرعشی، انتشارات مدرسه، چاپ چهارم، تهران.
- تیتوس، برکهارت. (۱۳۹۰). هنر مقدس (اصول و روش ها) مترجم: جلال ستاری، چاپ پنجم، نشر سروش، تهران.
- چخوف، میخائیل، (۱۳۸۵)؛ بازیگری، مترجم: کیاسا ناظران، نشر قطره، تهران.
- حرابی، رحمت الله، (۱۳۸۳)؛ آموزش تئاتر) ویژه مربیان، چاپ سوم، نشر عابد، تهران
- دهقانی، بابک، عماره، نسیم. (۱۳۹۷). ارزیابی میزان یادگیری دروس ابتدایی، در روش های نوین تدریس به جای روش های سنتی و معلم محور با نگاهی به هنر نمایش و موسیقی مطالعه موردی: دانش آموزان ابتدایی ناحیه یک بندرعباس، دومانامه پژوهش در هنر و علوم انسانی.
- دهقانی، بابک، باقرزاده، فرح انگیز. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مهارت های هنری در پیشبرد اهداف تربیتی، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- دهقانی، بابک، (۱۳۹۲)؛ نگاهی به مبانی نمایشنامه نویسی و تحلیل نمایشنامه، چاپ اول، ناشر مولف، بندرعباس
- داندیس، دونیس، (۱۳۸۲)؛ مبادی سواد بصری، مترجم: مسعود سپهر، نشر سروش، چاپ ششم، تهران
- سالم، سودابه، (۱۳۸۹)؛ بخوان با من، بساز با من، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ اول، تهران



فضلی خانی، منوچهر، (۱۳۸۱)؛ راهنمای عملی روش های مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، نشر موسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران.

کریمی، اکبر، (۱۳۸۷)؛ نقش هنر در فعالیت های امور تربیتی، وزارت آموزش و پرورش، نشریه نگاه، شماره ۳۷۳

محمدی، رامونا. (۱۳۹۴). تاریخ هنر ایران و جهان، چاپ سوم، نشر فارسیران، تهران. شابک.

مصطفایی، میلاد. (۱۳۹۷). نقش مؤثر هنر در ارتقای سطح یادگیری، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

Aral, N., Baran, G., Bulut, S. and Cimen, S. (۲۰۰۰a). Drama. Ya-Pa Publishing Marketing Industry and Commerce Inc. Istanbul.

Berg, R.A ۲۰۰۰, Social constructions of creativity in a middle school math classroom, Available on http://www.jrrb.com/examples/Social_Const_Creativity.pdf

Köksal Akyol, A. (۲۰۰۳). Drama ve Dramanın Önemi. Türk Eğitim Bilimleri Dergisi, ۲(۱), ۱۷۹-۱۹۰.

Lehtonen, A. Kaasinen, M. Karjalainen-Väkevä, M. Toivanen, T. (۲۰۱۶). Promoting creativity in teaching drama. Procedia - Social and Behavioral Sciences, ۲۱۷, ۵۵۸ – ۵۶۶.

Moga, E, Burger, K, Hetland, L, et al ۲۰۰۰, 'Does studying the Arts Engender Creative Thinking? Evidence for Near Not Far Transfer', Journal of Aesthetic Education, Vol. ۳۴, No. ۳, Pp. ۹۱-۱۰۴.

McLauchlan, D. & Winters, K-L. (۲۰۱۴). what's so great about drama class? The year I secondary students have their say. The Journal of Applied Theatre and Performance, ۱۹(۱), ۵۱-۶۳

Niu, W, Sternberg, R.J ۲۰۰۳, Societal and school influences on student creativity: The case of China, Psychology in the Schools, Vol. ۴۰, No. ۱, Pp. ۱۰۳-۱۱۴.



Newsha, B, Pakdaman, A, Oveisi, Z ۲۰۱۳, The role of training method on artcreativity, Journal of initiation andcreativity in the humanities, Vol. ۲, No. ۳, Pp. ۱۵۹-۱۷۶. (in Persian).

Nijstad, B.A, De Dreu CKW, Rietzschel, E.R, et al ۲۰۱۰, The dual pathway to creativity model: Creative ideation as a function of flexibility and persistence, European Review of Social Psychology, Vol. ۲, No. ۱, Pp. ۳۴-۷۷.

Nick, R ۲۰۱۱, Creativity in treatment: The use of art, play, and imagination, International Journal of Psychoanalytic Self Psychology, Vol. ۶, No. ۱, Pp. ۱۲۷-۱۲۹

Rodgers, C. R. & Raider-Roth, M. B. (۲۰۰۶). Presence in teaching. Teachers and Teaching: theory and practice, ۱۲(۳), ۲۶۵-۲۸۷

Soortichi, A.A, Rastgarpour, H ۲۰۱۱, The relationship between arts education and elementary schools students' creativity, Journal of initiation and creativity in the humanities, Vol. ۱, No. ۳, Pp. ۱-۲۷. (in Persian).

Sawyer, R. K. (۲۰۱۱). Structure and improvisation in creative teaching. Cambridge University Press Cambridge, UK

Toivanen, T. & Malkamäki, R. & Iivonen, J. & Ruismäki, H. (۲۰۱۵). The classroom climate in drama lessons taught by teacher trainees. Procedia - Social and Behavioral Sciences, ۱۷۱, ۱۱۳۵



The Effect of Classroom Theater on the level of creativity and learning of Persian lessons in elementary school

Abstract

The purpose of this research is to investigate the effect of classroom theater on increasing creativity and learning in Persian lessons in elementary school, which was done descriptively and with a qualitative approach. The research was done with documentary method. In this research, an attempt was made to analyze the effects of classroom theater by studying first and second hand sources. Studies show that theater plays a strategic role in strengthening students' various skills in academic education. One of the shortest ways to achieve these behaviors is to engage in dramatic activities. The educational topics of textbooks can be taught through theater because it can convey and understand the components of participation, collective activity, responsibility, recognition of one's rights, respect for the rights of others, and the teaching of religious and practical matters of life.

Key words: Theater, creativity, Persian, elementary

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی